زیر آسمان فیروزه‌ای

۴۰ اثر ایرانی در حراج «کریستیز»

● **شرق:** در پانزدهمین دوره حراج «کریستیز» ۱۴۳ نقاشی، نقاشیخط، مجسمه و عکس، روی میز حراج می‌رود که ۴۰ اثر متعلق به ۳۶ هنرمند ایرانی است. این دوره حراج کریستیز دوبی ویژه آثارمدرن و معاصر ایران، عرب و ترکیه سه‌شنبه و چهارشنبه ۲۹ و ۳۰اکتبر (هفتم و هشتم آبان) در سالن «گودفین» هتل «امارات تاورز» برپا می‌شود. شاخص‌ترین اثر ایران، مجسمه «پرسپولیس۲» پرویز تناولی است که کارشناسان کریستیز ۸۰۰ تا یک‌میلیون و ۲۰۰هزاردلار قیمت آن را تخمین زده‌اند. همچنین شب نخست پانزدهمین حراج کریستیز به آثاری که قیمت اولیه آنها بالای ۵۰هزاردلار برآورد شده، اختصاص دارد که هشت اثر از پنج هنرمند ایرانی شامل پرویز تناولی، سیدمحمد احصایی و فرهاد مشیری هر یک دو اثر و رضا درخشانی و وای. زد. کامی، یک اثر خواهند داشت.

ادامه از صفحه ۷

حقیقت‌جویانی ورای هویت و مرز

چهره‌اش را چون قدیسانی دیدم که در عالم غیب سیر می‌کنند. دوست نداشتم از کنارش بروم، دوست داشتم از انرژی شگفتی که در وجود او بود، بهره بگیرم، دوست داشتم همانند تماشای برآمدن صبح از افق دریاها، همانند، حس‌کردن و چشیدن درونی جوانمردی پوریای ولی و همانند درک شرف یک انسان، مهلتی باشد تا من فقط این بلندای قامت و شکوه شخصیت او را بیشتر لمس کنم. پیش خود گفتم پس ببین او در برابر لشکر ستم و فقر و ترس موجود چه با شکوه ایستاده است، چه با شکوه مقاومت می‌کند، اما سر خم نمی‌کند. خاطرم آمد قبل از انقلاب، گاه زندانی‌های سیاسی و اعدامی‌ها را، از راهروهای باریک سلول‌های زندان، به میدان اعدام می‌بردند؛ نیمه‌های شب بود و صدای زنجیرهایی می‌آمد که به دست‌ها و پاهایشان بسته بودند. آنان سرود می‌خواندند به شکوه کوه‌های بلند، افق‌های دور، صدایشان در تاریخ می‌پیچید. شکوه عظمت شخصیت و مقاومت آنان، ناخودآگاه در تمام وجود آدمی اثر می‌کرد. ایستاده، باعزت و سرفراز بودند. به‌راستی چه بسیار از کسانی که همانند آن پیرزن چادر نمازی، همان‌قدر عزت و شکوه دارند، همان مقدار مقاومت و آزادگی دارند که در میان امواج سنگین فشارهای زندگی، این‌چنین سرفراز و باشخصیت و پر می‌ایستند.

ششم: روشنفکر، قهرمان صحنه نیست، چهره اول نیست. اگر لازم باشد دست می‌بوسد، خم می‌شود، خواهش می‌کند، سکوت می‌کند و تحقیر می‌شود؛ زیرا برای او آنچه مهم است رهایی مردم است. بگذارید قلم را به‌دل بسپارم تا آزاد هر چه می‌خواهد بگوید: سیاستمدار هرگز در برابر مردم نمی‌ایستد، اما روشنفکر اگر لازم باشد بر سر مردم فریاد می‌زند. روشنفکر منزوی می‌شود، سرزنش می‌شود، تنها می‌ماند، مسخره می‌شود اما متخصص همیشه خوش‌موقعیت است. روشنفکران به عشق بیش از علم، به مردم بیش از حکومت، به کودکان بیش از بزرگترها، به رانده‌شده‌ها بیش از راه‌یافته‌ها، به درمانده‌ها بیش از جاه‌یافته‌ها، به خوارشده‌ها بیش از عزیزشده‌ها توجه می‌کنند. روشنفکران، راهنما هستند. راه اصلی زندگی را نشان می‌دهند. متخصص در شب، چراغ به دست می‌گیرد. اما روشنفکر، ماه را همراه دارد. متخصص، درمان دردهای جسم را می‌کند. روشنفکر، درمان جان را می‌شناسد. تشییع جنازه روشنفکران شلوغ‌تر از متخصصان است. قبر روشنفکران شلوغ‌تر از دفتر کارشان است. روشنفکران وقتی مردند، عزیز می‌شوند. متخصصان وقتی زنده‌اند عزیزند. روشنفکران بسیار کتاب وجود خود را می‌خوانند، سر در درون دارند. روشنفکران از هیاهو، هیجان رسانه‌ها، گریزانند و در این میدان‌ها دیده نمی‌شوند. متخصص از تخصص نان می‌خورد، نام می‌یابد. روشنفکر نه نان درد و مسوولیت‌های خود را می‌خورد و نه فرصت نام‌یافتن را می‌یابد. فراوان روشنفکران، در طول تاریخ، در همه زندگی، نام خود را بر زبان‌ها نشنیدند، بلکه از پشت‌بام‌ها، سنگ، رنگ و خاکستر بر سرشان باریدند و ریختند. اگر بوی نافه حقیقت و عشق به انسان‌ها را نداشتند، چه زود، مایوس و ناامید به کنجی می‌خزیدند و عافیت را بر عاقبت کار، برمی‌گزیدند. روشنفکران، در طول تاریخ، در تاریکی شب بیدارند و سحرها بانگ روشنایی صبح می‌دهند. خفتگان و بی‌دردان سرزنشش می‌کردند که چرا از خواب بیدارمان می‌کنید. چرا ندای بیداری سر می‌دهید و آنان، افتان و خیزان، تب‌دار و خموش، زخمی و سرفراز، در سحرها، از روشنی و از صبح می‌گویند، آنان فرصت نمی‌کنند حتی پاسخ سرزنش‌کنندگان را بدهند و به راه خود می‌روند... . فردا و فرداها که سحرها و صبح‌ها آمدند و رفتند و مردم از خواب‌های گران غفلت، تعصب و خودپرستی برخاستند، به خود می‌آیند، خاطرشان می‌آید که سحرگاهان نداهایی صمیمی، صبور، آشنا و آرام، زمزمه صبح را داشتند. بعضی به خود می‌آیند، اما دیگر آن نداها در زیر خروارها سرزنش، انزوا، محرومیت از بودن و داشتن، رفته‌اند، خاموش شده‌اند و دیده نمی‌شوند. در کوچه پس‌کوچه‌های شهر، می‌گردند، سراغ آنان را می‌گیرند. سر چاه‌های بیرون شهر، در گوشه‌وکنار یک پارک، در کنجی در غربت و بر صندلی در یک کوچه، پیری را می‌بینند که با عصا و عینک و چشمان تیز، هنوز زمزمه می‌کند؛ مردم بیدار شوید، فردا دیر است. مردم، قهرمان شمایید، رییس‌جمهوری شمایید. شما نماینده خدایید، شما کجایید؟ ای مردم، ای نادانان به دانایی خود، ای ناسپاسان از سپاس خود، کجایید؟ مردم نترسید، خم نشوید، خوار نشوید، مجیز مگویید، نخوابید، من‌من نکنید، برخیزید، برخیزید، شما می‌توانید، به‌جان جنانی‌تان سوگند می‌توانید، و خطاب به انسان‌ها و در گوش تاریخ زمزمه می‌کنند که: آنچه گفتند و سرودند تو آنی/ خود تو جان جهانی/ تو همانی که همه عمر به‌دنبال خودت نعره‌زنانی

*** متن سخنرانی در هیات‌مدیره کانون نواندیشان گلستان (مکتب علی ع) گرگان**

چهره روز

«طرب‌نامه» بیضایی به تهران رسید

شرق: «طرب‌نامه» تازه‌ترین نمایشنامه بهرام بیضایی است که در چند ماه آینده، به بازار نشر می‌آید. این خبری است که شهلا لاهیجی، مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان - که ناشر رسمی آثار بیضایی در ایران است - به شبکه ایران گفته است و افزوده: «ایشان نمایشنامه تازه‌ای نوشته‌اند که به نوعی یک اثر شبه‌روحوضی محسوب می‌شود و جزو نمایشنامه‌های طربناک یا مضحکه مثل «چهار صندوق» است. البته بعد از پایان حروفچینی، اطلاعات کامل‌تری از نمایشنامه را در سایت روشنگران منتشر می‌کنیم.» «چهار صندوق» یکی از نمایشنامه‌های قدیمی بهرام بیضایی است که در قالب تخت‌حوضی نوشته شده و ماجرای چهار شخصیت با چهار رنگ، از صندوق‌های مختلف بیرون می‌آیند. این نمایش به قول خود بیضایی در قالب نمایش‌های شادی‌آور است. به گفته لاهیجی، طرب‌نامه عنوانی است که بیضایی برای این نمایشنامه برگزیده است. بهرام بیضایی که چند سالی است در دانشگاه «استنفورد» تدریس تئاتر می‌کند؛ در کنار نویسندگی نمایش و فیلمنامه و کارگردانی، همواره بر روی گونه‌های مختلف نمایش ایرانی مطالعه کرده است و برای گونه‌های فراموش‌شده نمایشنامه، نمایش‌هایی در قالب‌های جدید نوشته است. آخرین گونه نمایشی ازیادرفته‌ای که او در این سال‌ها درباره آن پژوهش کرده است «سایه بازی» بوده است. نمایش جانا و بلادور که سال گذشته با بازی مژده شمسایی به روی صحنه رفت حاصل این پژوهش بود. او همچنین در ۱۰سال گذشته روی ریشه‌های هزارویک‌شب در ایران پژوهش کرد که حاصل این پژوهش، چندین اثر درباره این روایت گمشده ایرانی بود که نمایش «شب هزارویکم» که در سال ۸۲ به‌کارگردانی او به صحنه رفت، آغاز آن بود. این پژوهش با انتشار کتاب هزار افسان کجاست تکمیل شد؛ کتابی که به چاپ‌های متعددی رسیده است. بهرام بیضایی هفته پیش جایزه سینا را از دانشگاه هاروارد به پاس یک عمر تلاش معرفی فرهنگ و هنر ایران دریافت کرد.

مسجدجامعی در افتتاح «سرو نقره‌ای»:

جشنواره‌ها باید شناسنامه تهران شوند

سحر آزاد

عکس: ایسنا

سومین دوسالانه سرو نقره‌ای با اجرای یک چهره سینمایی و سخنرانی «احمد مسجدجامعی» آغاز به کار کرد. این دوسالانه از سوی انجمن صنفی طراحان گرافیک، جایگزین دوسالانه‌های پوستر و گرافیک است که با تاخیر چندساله در برگزاری، مواجه شده‌اند. مراسم افتتاح سومین سرو نقره‌ای عصر روز جمعه، سوم آبان در تالار شهناز خانه هنرمندان و مانند برخی دیگر از برنامه‌های تجسمی چند سال اخیر با اجرای یک چهره سینمایی برگزار شد. امیرشهاب رضویان، کارگردان سینما، مجری برنامه بود که با نقل خاطره و سخنان طنز سعی داشت فضای مراسم تلطیف شود هرچند حضور او به‌عنوان یک سینمایی از چشم برخی شرکت‌کنندگان حاضر در برنامه دور نماند و در نامه‌ای از او پرسیده شده بود که «فیلمساز را چه به گرافیک؟» او نیز در پاسخ گفت که رابطه میان گرافیک و سینما قبلا هم وجود داشته و ابراهیم حقیقی هم پیش از انقلاب یک فیلم کوتاه ساخته بود. رضویان همچنین در بخش دیگری از این برنامه از احمد مسجدجامعی، رییس کمیسیون فرهنگی شورای شهر برای اهدای جایزه بخش کارفرمای برتر دعوت کرد اما مسجدجامعی درحالی که دستان قباد شیوا را در دست داشت به روی سن آمد و هنگام قرارگرفتن در پشت تریبون از افراد حاضر در سالن خواست تا برای قباد شیوا و فرشید مثقالی که از چهره‌های شناخته‌شده گرافیک ایران هستند، دست بزنند. او با بیان اینکه مثقالی، شیوا، ابراهیم حقیقی و مرتضی ممیز جزو بنیانگذاران جشنواره‌های گرافیکی از سال ۶۵ بوده‌اند، گفت: «آن سالی که این نمایشگاه‌ها آغاز به کار کردند، هنرمندان این حوزه ۵۰ نفر بودند اما شنیدم که الان هزاور ۵۰۰ گرافیست داریم. البته در آن زمان اقتصاد فرهنگ و هنر در این حوزه مشکل داشت؛ حالا وضعیت رو به بهبود است.» او سپس اظهار امیدواری کرد که روزی تهران را با جشنواره‌های فرهنگی، هنری بشناسند: «مردم جهان شهرهای کوچک «کن» و «آوینیون» را با جشنواره‌های مهمی که برگزار می‌کنند، می‌شناسند. تهران شهر کوچکی نیست اما می‌تواند با جشنواره‌هایی از این دست آنقدر بزرگ و جهانی شود که این جشنواره‌ها شناسنامه شهر شوند. آن زمان که در وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی بودم دوست داشتم تهران را با جشنواره‌های فرهنگی، هنری بشناسند البته در همان سال‌ها جشنواره پوستر جای خود را باز کرده بود و میهمانان خارجی زیادی در آن شرکت می‌کردند.» او خواستار پیوند میان صنعت و گرافیک شد: «من از طراحان و هنرمندان می‌خواهم که در معیارهای ارزیابی، جایی برای سلیقه مدیران صنعتی و شهری باز کنند و با آنها وارد گفت‌وگو شوند که اگر این اتفاق بیفتد می‌توانیم اتکا را به خودمان بیشتر کنیم و سرو نقره‌ای هم می‌تواند در این زمینه مهم باشد.» همچنین علی رشیدی، رییس هیات‌مدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک یکی دیگر از سخنرانان این مراسم بود که سرو نقره‌ای را بزرگ‌ترین رویداد طراحی گرافیک از لحاظ شرکت‌کننده و تعداد کار دانست و ادامه داد: «برای اولین‌بار نمایشگاه دوسالانه انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران توجه ویژه‌ای به طراحی حروف فارسی نشان داد و نمایشگاه جداگانه‌ای در این زمینه برگزار کرد. مهدی سعیدی، دبیر دومین دوسالانه سرو نقره‌ای نیز در ادامه به جزییاتی از این دوره اشاره کرد و گفت: «بعد از اعلام فراخوان در خردادماه از دوهزارو۶۳۰ اثر ارسالی از ۳۳۲ طراح، هیات انتخاب ۷۴۴ اثر از ۱۴۶ طراح را برای شرکت در نمایشگاه برگزید. امسال یک اتفاق ویژه هم داریم که در بخش طراحی حروف فارسی است چون طراحی حروف فارسی یکی از مهم‌ترین بخش‌های گرافیک است. در این دوره ۱۷ تایپ‌فیس ارسال شد که ۶۱ اثر به نمایشگاه راه پیدا کردند.» او از حضور «استفان زاگمایستر» به‌عنوان یکی از طراحان گرافیک شناخته‌شده دنیا و «طارق عتریسی» دیگر طراح تایپ به‌عنوان دو میهمان ویژه سرو نقره‌ای امسال نام برد و پس از آن مهدی سعیدی و کوروش پارسانژاد برای اهدای جوایز بخش‌های مختلف روی صحنه آمدند که در هربخش یکی از گرافیست‌ها نیز به آنها پیوست. در بخش هویت بصری ابراهیم حقیقی جایزه را به پیمان پورحسین، در بخش تبلیغات قباد شیوا جایزه را به مازیار علی‌یاری، در بخش طراحی جلد مسعود سپهر جایزه را به مجید زارع و مهران زمانی، در بخش بسته‌بندی مصطفی اوجی جایزه را به سیدمحمود محمودی، در بخش طراحی گرافیک متحرک طارق عتریسی جایزه را به داوود مرگان و در بخش کارفرمای برتر قباد شیوا و مسجدجامعی جایزه را به بانک ملت اهدا کردند. همچنین هیات‌داوران در بخش پوستر هیچ اثری را شایسته دریافت رتبه برتر ندانستند. اسدالله چهره‌پرداز نیز که برای اهدای جایزه به احسان مهدوی در بخش نشانه نوشته به روی صحنه آمده بود، از اختصاص بخش ویژه‌ای برای طراحی حروف فارسی در این دوره اظهار خوشحالی کرد. در پایان مراسم با حضور اعضای هیات‌مدیره انجمن گرافیک و مسجدجامعی نمایشگاه سومین دوسالانه «سرونقره‌ای» افتتاح شد. این دوسالانه تا نهم آبان در خانه هنرمندان و موزه هنر امام‌علی(ع) در حال برگزاری است.

مناظره مدیران فعلی و قبلی مرکز گسترش سینمای مستند در برنامه «هفت»

ناگفتنی‌های «لاله» ادامه دارد

شرق: برنامه «هفت» در سوم آبان به مناظره داغ محمدمهدی طباطبایی‌نژاد، مدیر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و شفیع آقامحمدیان، مدیر قبلی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، درباره پروژه جنجالی «لاله» به‌کارگردانی اسدالله نیک‌نژاد تبدیل شد. «محمود گبرلو»، مجری برنامه، در ابتدای این مناظره توضیح داد: «این روزها، فیلم «لاله» بحث‌هایی را در محافل و مجالس فرهنگی و سینمایی ایجاد کرده که پرداختن مطبوعات به متن و حواشی آن و اظهارنظر برخی مسوولان این فیلم در این مدت اخیر سبب شد تا با برگزاری این میزگرد به شفاف‌سازی پیرامون این پروژه دست بزنیم.» شفیع آقامحمدیان در ابتدای این مناظره رشته کلام را به دست گرفت و به توضیح مراحل تولید و هزینه‌های فیلم پرداخت و اظهار کرد: «مسایلی که در حال حاضر پیرامون عکس‌العمل نمایندگان مجلس و کمیسیون فرهنگی می‌گردد نیازمند ذکر یک نکته است. طی ملاقاتی که کمیسیون فرهنگی و نمایندگان مجلس با آقای حسینی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی و آقای شمقدری، رییس وقت سازمان سینمایی، درباره فیلم «لاله» داشتند قرار بر این شد که مساله را به صحن علنی مجلس ببرند که البته درنهایت این موضوع منتفی شد و همین نبردن این موضوع به صحن علنی مجلس، نشان از متقاعدشدن مجلس دارد. آقامحمدیان نیز در نقد صحبت‌های گبرلو چنین پاسخ داد: «مصاحبه‌هایی که با مطبوعات صورت گرفته مرتبط با چندین ماه پیش است و در حال حاضر مصاحبه‌ای از جانب من با مطبوعات صورت نگرفته و برخی از نشریات نیز به این موضوع دامن می‌زنند.» محمدمهدی طباطبایی‌نژاد در ادامه به چگونگی ورود این فیلم به سینمای ایران پرداخت و گفت: «در مصاحبه‌هایی حرف‌هایی از جانب من گفته شده است که خود این دارای سه نکته است. یکی اینکه چرا فیلم «لاله» باید در مرکز سینمای مستند و تجربی ساخته شود و چه نسبتی با فیلم تجربی دارد. آیا این فیلم تجربی است یا به سبب اینکه اولین فیلم فیلمساز آن محسوب می‌شود به این مرکز راه یافته است. نکته دوم مرتبط با موضوع تهیه‌کنندگی فیلم و نظام تهیه و تولید فیلم است و نکته سوم در ارتباط با حوزه مدیریت جای می‌گیرد.» وی در ادامه یادآور شد: «تاکنون برای تهیه این فیلم شش‌میلیاردو۸۰۰میلیون‌تومان هزینه کرده‌ایم و فارغ از خوب یا بد بودن آن باید درباره آن تصمیم عاقلانه گرفته شود.» طباطبایی‌نژاد افزود: «طی این تصمیم قرار بر برپایی جلسه‌هایی مستمر با آقای نیک‌نژاد و خانم پرتو گذاشته شد اما بعد از گذشت مدت زمانی کوتاه از این قرار متوجه شدیم که مالکیت این فیلم به دلیل اینکه سه رایت آن در مرکز صورت نگرفته است، در اختیار مرکز گسترش سینمای تجربی نیست. بلکه متعلق به یک شرکت کانادایی است و این به لحاظ بین‌المللی مشکل ایجاد می‌کند و تا زمانی که تصمیم‌گیری درباره آن انجام نشود مالکیت آن مخدوش است.» شفیع آقامحمدیان نیز در ادامه تصریح کرد: «وقتی یک فیلم وارد حاشیه‌های غیرخودی می‌شود و برخوردها با آن صرفا سیاسی می‌شود موضوعاتی پیش می‌آورد که باعث تاخیر در روند کار می‌شود که این خود هزینه بیشتری را می‌طلبد. از جمله تهدیدکردن بازیگر هنگام قرارداد بستن که این اتفاق او را از همکاری منصرف می‌کند و همین تاخیر و تورمی که از سال قبل تا سالی دیگر به وجود آمد، به افزایش هزینه‌ها دامن زد.» همچنین در واکنش به طباطبایی‌نژاد، از فیلم «آناهیتا» به‌کارگردانی عزیزالله حمیدنژاد و تهیه‌کنندگی طباطبایی‌نژاد که در مرکز سینمای گسترش ساخته شد، یاد کرد و گفت: «طبق پارامترهای گفته شده از سوی خود طباطبایی‌نژاد، فیلم «آناهیتا» همچون پروژه «لاله» یک محصول تجربی به حساب نمی‌آید. حال چرا در این مرکز ساخته شده است؟»

عکس روز

عکس: شرق

این ماشین فراری در چهلمین دوره نمایشگاه «فیاک» واقع در پاریس که از اصلی‌ترین مکان‌های گردهمایی گالری‌داران، مدیران موزه‌ها، مدیران موسسات بین‌المللی حراج و شخصیت‌های بین‌المللی دنیای هنر است، به قیمت ۲۵۰هزاردلار فروخته شد. برتراند لاویر این مجسمه را در سال ۱۹۹۳ با عنوان «دینو» خلق کرده است.

خبرسازان

همه روایت‌های یک «گذشته» ایرانی

● **شرق:** فیلم «گذشته» قرار است تا اواخر بهمن‌ماه خبرساز باشد. این فیلم که این روزها یکی از سه جایزه اصلی جشنواره «اسلو» را به خود اختصاص داده، در چند کشور آن‌طرف‌تر از نروژ، یعنی کرواسی بر سر ایرانی‌بودن یا فرانسوی‌بودنش مسوولان فرهنگی ایران را به واکنش وادار کرد.

ماجرا از اینجا آغاز شد که این فیلم در جشنواره فیلم کرواسی به‌عنوان نماینده فرانسه شرکت کرد، در حالی که این فیلم با حرف و حدیث‌های بسیاری یک ماه پیش به‌عنوان نماینده ایران در اسکار ۲۰۱۴ معرفی شده است و بر اساس این تصمیم این فیلم در جشنواره‌های دیگر به‌عنوان نماینده ایران معرفی می‌شود. این اتفاق باعث شد تا رایزن فرهنگی جمهوری‌اسلامی‌ایران در کرواسی ضمن اعتراض به نمایش فیلم گذشته به‌عنوان نماینده فرانسه، در تماس با دبیرخانه این جشنواره، از چرایی این امر جویا شد و در پاسخ، مسوولان جشنواره توضیح دادند: «چون تهیه‌کننده فرانسوی و کمپانی memento ایتالیایی هستند، نمی‌توان فیلم را به نام ایران معرفی کرد. هرچند اهالی سینما و فرهنگ و هنر اصغر فرهادی را به‌عنوان فیلمساز ایرانی می‌شناسند.» البته معرفی فیلم سینمایی «گذشته» با وجود ساخته‌شدن آن در فرانسه، زبان فرانسوی آن و تهیه‌کنندگی یک کمپانی فرانسوی به‌عنوان نماینده سینمای ایران در اسکار موجب اعتراض گروه زیادی از سینماگران ایرانی نیز شد. به‌دنبال معرفی گذشته فرهادی به‌عنوان نماینده فرانسه در جشنواره زاگرب، امیر اسفندیاری مدیر بخش بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی و سخنگوی هیات انتخاب ایران گفت: «گذشته» نماینده سینمای ایران در اسکار است و نماینده کشور فرانسه فیلم «رنوار» است. بنابراین این اتفاق هیچ تاثیری در نماینده سینمای ایران برای اسکار نخواهد داشت. در تمامی نشریات و مجلات معتبر خارجی «گذشته» به‌عنوان نماینده سینمای ایران در اسکار ذکر شده و اگر هم این فیلم بتواند جایزه بهترین فیلم خارجی‌زبان را بگیرد، به نام ایران ثبت خواهد شد.»

LEON

Since 1960

خاص بودن رویا نیست.

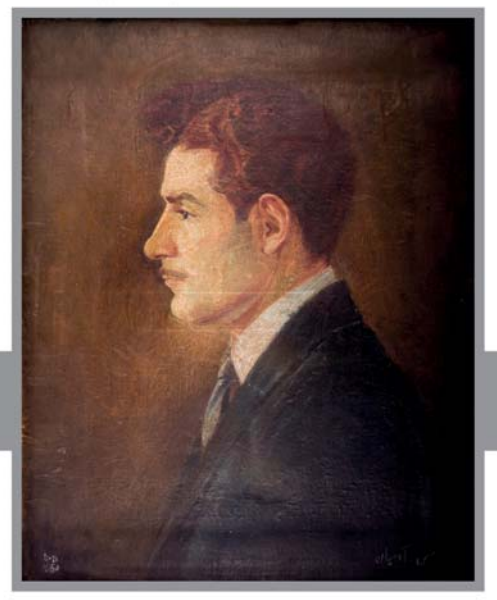

Oil Painting of Mr. Leon, founder of Leon restaurants by Ms. Sedik Adamian (1950)

نقاشی رنگ و روغن از آقای لئون مؤسس رستوران لئون توسط خانم سدیک آدامیان(۱۹۵۰)

رستوران لئون درسال ۱۹۶۰ میلادی در تهران، خیابان آبان جنوبی تاسیس گردید
و هم اکنون با داشتن دو شعبه دیگر (فرشته سام سنتر و نیاوران)
با مدیریت همان خانواده به فعالیت خود ادامه می دهد.

رزرو کنید.

آبان جنوبی: خیابان کریم خان زند
خیابان آبان جنوبی، نبش چهارراه ورشو
تلفن : ۸۸۹۰۴۶۲۵-۸۸۹۳۰۳۶۳

نیاوران: خیابان دکتر باهنر(نیاوران)
قبل از دوراهی دزاشیب
تلفن : ۲۲۷۲۴۲۰۰-۲۲۷۲۴۴۰۰

www.leon1960.com